

نامه مقام معظم رهبری

به دانشجویان آمریکا و پایه‌گذاری روابط با نسل آینده غربی براساس دیدگاه‌های مشترک

مخاطب؛ نسل Z آمریکایی



سیدمهدی طالبی دبیرکروه جهان‌شهر

جوانان غربی مخاطب اصلی تمام نامه‌های رهبری به ملت‌های غربی بوده‌اند که طی یک دهه اخیر فرآیند آن آغاز شده است. روز پنجشنبه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین نامه خود به جوانان غربی دانشجویان معترض آمریکایی که هفته‌هاست نهاد دانشگاه را دستخوش اعتراضات ضدصهیونیستی ساخته‌اند، مورد خطاب قرار دادند.

رهبر انقلاب ضمن تمجید از این دانشجویان آنان را جزئی از محور مقاومت نامیده و بر تقویت محور مقاومت در منطقه و جهان تاکید کردند. محور مقاومت طی جنگ طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی به عنوان اصلی‌ترین نقطه اتکای استراتژیک آمریکا در منطقه را درهم کوبید، حضور واشنگتن در عراق و سوریه را در معرض تهدید قرار داده و انحصار کنترل آبراهه‌های جهانی را از طریق یمن از دستان غرب خارج کرده است. همزمان در غرب ملت‌ها تمایل خود به فلسطین را آشکار ساخته، تعدادی از دولت‌ها بالاچار فشارهای مردمی حق فلسطین برای تشکیل کشور را به رسمیت شناخته‌اند و فشارهای جدید بر قطع ارتباطات غرب با تل آویو متمرکزند. جناح‌هایی از محور مقاومت در منطقه غرب آسیا درحال کوییدن رژیم صهیونیستی و دنباله‌های محور مقاومت در اروپا و آمریکا درصدد کوییدن صهیونیسم جهانی‌اند. در ادامه به برخی از نکات حول نامه اخیر رهبر انقلاب به دانشجویان آمریکایی پرداخته شده است.

نکات

- جنبش و حرکت اعتراضی در یک کشور زمانی قدرتش بر همگان ثابت و به جهت اثر تثبیت می‌شود که توسط دولت‌های دیگر مورد حمایت رسمی قرار گیرد.
- به‌عنوان نمونه در برخی موارد یک جریان مطلوب در کشوری دیگر به دلیل کوچکی و احتمال شکست، مورد حمایت دولت‌هایی که با آن موافقت قرار نمی‌گیرد، زیرا کسب حمایت رسمی یک دولت تنها متأثر از همراستایی نیست، بلکه باید ابعاد این حرکت قابل اعتنا نیز باشد.
- مورد حمایت قرار گرفتن اعتراضات ضدصهیونیستی دانشجویان آمریکایی پس از آن روی داد که این جنبش نشان داد دارای ابعاد بزرگ و قابل اعتنائی است و از این رو باید موردتوجه جهانی قرار گیرد.
- اعتراضات دانشجویی آمریکا از ۲۹ فروردین (۱۷ آوریل ۲۰۲۴) آغاز شده و پس از هشت هفته تاکنون با فراز و نشیب‌هایی زیر سخت‌ترین فشارها ادامه داشته است.
- پیش‌ازاین نیز رهبری ایران در نامه‌های خود «جوانان» غربی را خطاب قرار داده بودند. این اقدام از چند لحاظ قابل بررسی است؛ نخست آنکه ایران به شکل جدی و در بالاترین سطح توجه دارد تا با جلوگیری از ایجاد انحراف در جوانان غربی، در آینده افراد بهتری بر این مجموعه حکومت کنند. دوم آنکه پیام‌های رهبری به جوانان غربی در بستری از تحولات در جریان ارسال شده‌اند تا به غرب بروز این تحول وضعفشان را گوشزد کنند.
- در سال ۱۴۰۱ جنبشی از بی‌دینان، ورشکستگان سیاسی و گروه‌های واپسگرا مانند سلطنت‌طلبان، منافقین و جدایی‌طلبان مخاطب پیام‌ها و حمایت‌های غرب بودند اما الان دانشجویان عدالت‌طلب و حامی مظلوم در آمریکا مخاطبند. نامه رهبری باعث برجسته و قابل مقایسه شدن مخاطبان جمهوری اسلامی و غرب شده است.
- پیام رهبری پس از ماه‌ها التهاب در کشورهای غربی و هفته‌ها اعتراضات در دانشگاه‌های این مجموعه و فقدان تبلیغات و ارتباط ایران برای تحریک و پشتیبانی از این فعالیت‌ها صورت گرفت. به نظر می‌رسد با این نامه ایران قدرتم خود را به رخ دستگاه‌های آمریکا کشیده است. شعارهای ایران بدون فضاسازی، خرید مزدور و بدون وجود منابع مالی قابل مقایسه با آمریکا، در دانشگاه‌های این کشور شنیده می‌شوند.
- هزینه‌های نگهداری رژیم صهیونیستی برای غرب به شدت درحال افزایشند. قضیه فلسطین ماده محرکه محور مقاومت در غرب آسیا و سراسر جهان است و باعث شکل‌گیری و گسترده شدن یک جبهه معارض با غرب شده است. این اتفاق درحالی رخ داده که تل‌آویو قرار بود سدی دفاعی برای غرب باشد اما امواج نیروهای ضد غربی از سد فیزیکی رژیم صهیونیستی عبور کرده‌اند.
- رژیم برای دفاع از غرب دربرابر آسیا و جهان اسلام شکل گرفت اما

اقداماتش باعث شده تا بدون آنکه آسیا و مسلمانان تلاش ویژه‌ای انجام داده باشند، ساکنان غرب علیه نظام‌های غربی اقدام کنند. صهیونیسم باعث ضربه به غرب از درون این مجموعه شده است. نمونه آن را می‌توان از تحولات دانشجویان و اقدامات اعتراضی دید. در چنین وضعیتی دیگری مسیر فیزیکی مانند جانیایی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا مؤثر نیست. ۷. محور مقاومت بر جمهوری اسلامی به لحاظ زمانی مقدم است و تشکیل جمهوری اسلامی باعث گسترش آن شده است. بنیان محور مقاومت نیز ضدیدت با رژیم صهیونیستی است. محور مقاومت ضدصهیونیستی تعریف عام و جمهوری اسلامی معنای خاص یک مفهوم واحد برای مبارزه با ظلم است.

وجود چنین نکته‌ای در نامه نشان می‌دهد اگر کسی قادر به همراهی خاص با جمهوری اسلامی نیست با قرار گرفتن در قالب محور مقاومت که تعریف عام و ساده‌تری دارد درکنار دیگر مبارزان ضد ظلم قرار گرفته و با آنها جمع می‌شود.

۸. اگر در دانشگاه‌های آمریکا شعارها و اهداف جمهوری اسلامی مطرح می‌شوند، جمهوری اسلامی نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد و باید در بالاترین سطح این حرکت مبارک را ارج نهاد.

۹. حمایت جمهوری اسلامی از جریانات اعتراضی آمریکا که درمعرض سرکوب قرار دارند، به آنها نه به لحاظ میدانی، بلکه به لحاظ معنایی جان و انگیزه تازه‌ای می‌دهد.

این احتمال وجود دارد پس از هرگونه موضع‌گیری با اقدام حمایتی تهران، در سایه ایران هراسی و تبلیغات منفی فشار بر جنبش اعتراضی تشدید شود اما درهرحال به لحاظ معنایی این معترضان با ورود و قرار گرفتن در چهارچوب محور مقاومت قدرت تازه‌ای می‌گیرند.

۱۰. اعتراضات ضدصهیونیستی دانشگاه‌های آمریکا پس از انتشار نامه رهبری به دلیل واکنش رسانه‌ها و سیاستمداران بار دیگر برجسته شده است. این نامه باعث شد حتی مایک جانسون، رئیس جمهوری خواه مجلس نمایندگان به آن واکنش دهد.

۱۱. تعدادی از مقامات آمریکایی مانند رئیس مجلس نمایندگان آمریکا پس از انتشار نامه رهبری بر موع ایران هراسی و اسلام‌هراسی درصدد شماتت معترضان برآمدند. اشتباه آنان اما آن است که با ۲۸ هزار شهید در غزه این شماتت‌ها اثری ندارد. نمی‌توان دانشجویان آمریکایی را به بهانه ایران هراسی از اعتراض به کشتار ۲۸ هزار انسان در غزه بازداشت.

۱۲. ایران طی سده‌های اخیر در حلقه قدرت‌های جهانی حضور نداشته و مانند دیگر کشورها در معرض نفوذ و بلوک‌بندی‌های جهانی بوده است. از این رو سیاست خارجی تهران همچنان با عینک ترجیح یک بلوک بر بلوکی دیگر دیده می‌شود. پس از ناکامی برجام و ایده نگاه به شرق، بسیاری معتقد بودند اند ایران قصد دارد مسیر آینده خود را به جای آمریکا و اروپا با چین و روسیه پیگیری کند.

نامه‌های رهبری به جوانان اروپا نشان می‌دهد روابط با غرب اهمیت بسیاری برای تهران دارد و این روابط هیچ‌گاه فدای رابطه‌های دیگر نخواهد شد. به عبارتی دیگر روابط ایران با شرق ادامه یافته و گسترش می‌یابد اما به آن محدود نخواهد شد.

۱۳. نگاه غرب به ایران و جهان اسلام مبتنی بر «جنگ تمدن»‌هاست. این دیدگاه که افرادی مانند «هانتینگتون» آن را بسط داده‌اند، موردتوجه صهیونیسم جهانی نیز بوده و آنها تلاش کرده‌اند از این واژه برای اختلاف‌افکنی میان جهان اسلام و غرب استفاده کنند.

نامه رهبری به جوانان غربی نشان می‌دهد مقاومت و مبارزت محور مقاومت شاید علیه استکبار باشد اما به‌وضوح ضد و برای تسلط بر مردم غرب نیست. شارحان جنگ تمدن‌ها بیشتر بر هراس افکنی از جهان اسلام تمرکز داشته و ادعا دارند مسلمانان درصدد کشورگشایی و تسلط بر مردم و نژادهای غربی هستند. خاج کردن تحولات از بستر جنگ تمدن‌ها می‌تواند وجه توسعه‌طلبانه دولت‌های غربی و ظلم‌شان را برجسته‌کند. تاکنون دولت‌های توسعه‌طلب غربی، اقدامات تجاویزکارانه خود را با ادعای تلاش برای دفاع از تمدن و مردم غربی صورت داده‌اند.

۱۴. درحالی‌که غرب عملکرد خود در ارتباط با ایران را براساس پیام‌های غیرمستقیم رسانه‌ای برای گمراه کردن مخاطبان تعریف کرده است، ایران از بالاترین سطح به شکل عیان با ملت‌ها و اقشار غربی برای اصلاح و براساس اصول ثابت و همه‌شمول صحبت می‌کند.

پیام‌های غرب نسبت به ملت ایران غیرمستقیم، مغشوش و خارج از عرفند اما پیام‌های ایران به مردم غرب به شکل مستقیم و بر اساس اصولی ثابت و همه‌گیر مانند جلوگیری از ظلمند.

۱۵. پیام‌های قبلی رهبر معظم انقلاب تحریک جوانان غربی به طرح سوال برای یافتن آگاهی بود. خروج از انحراف و آگاهی فکری یک مرحله به حساب می‌آیند و اقدام بر اساس ایده مرحله‌ای دیگر و بالاتر است. نامه اخیر به دانشجویان آمریکایی که تشکر از آنان نیز به‌شمار می‌رود، نشان‌دهنده ایجاد فهم درست در جامعه غربی و کشیده شدن آن به عرصه عمل است. به عبارتی دیگر طرح سوال و تلاش برای حرکت جوانان غربی در مسیر آگاهی که در نامه‌های یک‌ده قبل مشاهده می‌شد به تشکر و تقویت آنان در مسیر مبارزات عملی آنها کشیده شده است.

۱۶. نامه دربره‌ای قابل توجه منتشر شده است. چهار کشور اروپایی اخیرا تحت فشارهای شدید مردمی، اعتراض نخبگان، جنبش در طبقه سیاسی و همچنین به دلیل شکاف در دولت‌هایشان با نظام راست‌گرا و فاشیستی رژیم صهیونیستی، تصمیم گرفتند فلسطین را به رسمیت بشناسند. پیش از این نیز طی هفته‌های اخیر دانشگاه‌های بزرگ و اصلی آمریکا شاهد اعتراضات گسترده علیه تل آویو با حضور دانشجویان اساتید دانشگاه‌ها بود.

این تحولات در بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین پشتیبان رژیم یعنی غرب و آمریکا هراس بزرگی برای صهیونیست‌ها داشته و برجسته و تثبیت شدن آن بر این ترس می‌افزاید.

نامه رهبری به دانشجویان تاکید ی بر بریده شدن ارتباط غرب با رژیم صهیونیستی در آینده نزدیکی است که این جوانان در آمریکا روی کار آمده باشند.

۱۷. اعتراضات دانشگاه‌های آمریکا و به‌طورکلی تحولاتی که در غرب طی جنگ شکل‌گرفته بیشتر متوجه فشار به دولت‌ها برای مهار دولت رژیم است. در اعتراضات مردم و دانشجویان از دولت‌های خود می‌خواستند تا نتانیاهو را مجبور به توقف کشتار مردم فلسطین کنند. رهبری در نامه خود آدرس دقیق‌تری به نام صهیونیسم جهانی را که در غرب ریشه و موطن دارد برای ادامه مبارزات به جوانان غربی نشان داده‌اند.

۱۸. خطاب قرار دادن دانشجویانی که با جمهوری اسلامی ایران دغدغه‌ها و شعارهای یکسانی دارد، نشان‌دهنده وجود ظرفیت بازگیری ایران در محیط داخلی آمریکا و انگیزه تهران برای ایفای این نقش است.

۱۹. رهبر معظم انقلاب تاکنون سه‌نامه خطاب به جوانان غربی نوشته‌اند که هر سه‌نامه در مقاطع مهمی از اصطکاک غرب و جهان اسلام بوده‌اند. در مقطعی پس از حملات داشم در پاریس که موجی از اسلام‌هراسی در غرب رخداد و حتی تعدادی از سران کشورهای اسلامی را نیز در صف مقامات غربی در تظاهرات قرار داد، رهبر انقلاب با بازیگری متفاوت رهبری خود بر جریان اصیل و عمده اسلامی را نشان دادند. در این نامه‌ها رهبری جهان اسلام مشخص شده است.

۲۰. در جنگ‌های کنونی برداشت از طرف پیروز با بازنده بیشتر از موفقیت‌های میدانی تعیین‌کننده‌اند، به‌عنوان نمونه شکست رژیم صهیونیستی با دوهزار کشته دربرابر ۲۸ هزار شهید غزه به‌لحاظ میدانی قابل قبول نیست. اما به دلیل اهمیت برداشت از پیروز و بازنده جنگ، تل آویو تاکنون در جایگاه بازنده بوده و علی‌رغم تحکرات وسیع نتوانسته این برداشت را تغییر دهد. بااین‌حال زبان‌های وارده به جریان صهیونیسم بیشتر متمرکز بر رژیم صهیونیستی و تحولات جنگ بوده است. برجسته شدن یک تحول عمیق و بزرگ ضدصهیونیستی در آمریکا به تقویت برداشت‌ها از تل آویو به‌عنوان طرف بازنده جنگ کمک کرده و فراتر از رژیم صهیونیستی، جریان صهیونیسم جهانی را طرف شکست خورده معرفی می‌کند.

۲۱. غرب برای مقابله با محور مقاومت تلاش کرده از دو حربه جنگ و تفرقه‌افکنی در قالب موضوع شیعه- سنی بهره‌گیرد. ارتقای مزیت‌های محور مقاومت به سطح فکری و گام برداشتن فراتر از جهان اسلام و تاکید بر گسترش محور مقاومت برائر اعتراضات ضدصهیونیستی در غرب به این مجموعه نشان می‌دهد سیاست‌هایش علیه محور مقاومت بی‌اثر بوده‌اند. ۲۲. فلسطین نقش بزرگی در شکست جهانی آمریکا دارد که تاکنون ابعاد آن منحصر در امور نظامی، ژئوپلیتیکی دیده می‌شده است. براساس این دیدگاه، رژیم صهیونیستی ناو هواپیمابر غیرقابل انکار آمریکا در منطقه است و اهمیت بالایی نظامی و ژئوپلیتیکی در نقطه اتصال سه‌قاره دارد. آمریکا بدون وجود رژیم قادر به اعمال مؤثر سیاست‌های خود در غرب آسیا نخواهد بود که شامل کنترل بر منابع انرژی جهان و نظارت بر جهان اسلام است.

تحركی که قضیه فلسطین در جهان و مجموعه غرب ایجاد کرده اما نشان می‌دهد شکستی فراتر از جغرافیای منطقه و امور نظامی در انتظار آمریکاست.

تاملی بر جنجال دیپلماتیک

طالبان در مشهد

میراحمدرضا مشرف پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهای اخیر کنسولگری افغانستان در مشهد اوضاع آشفته و سردرگمی را سپری کرده است. بنابر اخباری که از جانب وزارت خارجه طالبان و دیگر منابع اطلاع‌رسانی منتشر شده، جنجال و آشفتگی اصلی از زمانی آغاز شد که در روز ۷ خردادماه شخصی به نام نصیر احمد حقانی با مراجعه به کنسولگری افغانستان در مشهد، خود را سرکنسول جدید افغانستان معرفی کرده و از «عبدالجابر انصار» سرکنسول مستقر می‌خواهد تا کنسولگری را به وی تحویل دهد. امتناع جابر انصار از سپردن مسئولیت به وی و عکس‌العمل طالبان و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به این رخداد مجموعه‌ای از تحولات را رقم می‌زند که در چند محور قابل بررسی و تامل است.

نگاهی به سیر تحولات تغییر سرکنسول افغانستان در مشهد

آن‌گونه‌که از اسناد منتشرشده از جانب وزارت خارجه طالبان مشخص می‌شود، حکم تغییر سرکنسول افغانستان در مشهد حدود یک ماه قبل و در تاریخ ۱۷ اردیبهست ماه صادر شده و به شخص سرکنسول نیز ابلاغ می‌شود. در حکم مذکور تنها به سمت جدید سرکنسول مستقر پرداخته شده و به‌موضوع جانشین وی هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. اما شخص جایگزین‌نه‌از داخل افغانستان، بلکه از میان یکی از مقامات ارشد سفارت افغانستان در تهران (نصیر احمد حقانی) برگزیده می‌شود. اطلاعات منتشرشده این نکته را به شکل دقیقی روشن نمی‌کند که وزارت خارجه طالبان در آن هنگام وی را به‌عنوان سرکنسول جدید به مشهد اعزام کرده یا صرفا سرپرستی موقت به وی واگذار شده است. در این شرایط امتناع سرکنسول مستقر از پذیرش شخص جایگزین، موجب می‌شود که طالبان رسماً برکناری وی را اعلام کرده و اسناد امضاشده توسط وی را پس از این تاریخ بی‌اعتبار بدانند. به‌رغم اینکه کنسولگری افغانستان طی بیانیه‌ای این اقدام وزارت خارجه طالبان را غیرقانونی دانسته و بر ادامه کار بی‌وقفه این نمایندگی تاکید می‌کند، اما در عمل برخی کارهای مهم همچون صدور پاسپورت متوقف شده و کنسولگری به حالت نیمه‌تعطیل درآمده است.

دلایل برکناری سرکنسول مشهد از جانب طالبان

در حکم وزارت خارجه طالبان برای تغییر سرکنسول مشهد آمده است که وی به دلیل پایان دوره مأموریت به داخل فراخوانده شده و در سمت جدیدی در یکی از معاونت‌های وزارت خارجه ادامه کار خواهد داد. در عین حال در این حکم از حسن همکاری وی نیز قدردانی شده است. بااین‌حال پس از مقاومت عبدالجابر انصار در برابر این حکم، مقامات وزارت خارجه طالبان موضوع فساد گسترده در کنسولگری مشهد را به میان آوردند و آن را دلیل اصلی برکناری سرکنسول اعلام کردند. در این راستا حتی یکی از مقامات وزارت خارجه طالبان یادداشت تند و تیزی در یکی از خبرگزاری‌های افغانستانی مستقر در ایران علیه جابر انصار منتشر کرده و ادعای اتهامات را متوجه وی می‌کند؛البته این یادداشت بعد از مدت کوتاهی از خروجی این خبرگزاری حذف می‌شود.

مواضع وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران

سخننگری وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در نخستین واکنش به وقایع در کنسولگری افغانستان در مشهد، از مقامات امارت اسلامی طالبان می‌خواهد تا جابه‌جایی مقامات در سرکنسولگری افغانستان را براساس پروتکل‌های بین‌المللی و به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درمورد روابط کنسولی انجام دهند. این موضع نشان می‌دهد که با طالبان مقامات تهران را در جریان این تغییرات قرار نده‌اند یا اینکه به‌رغم مخالفت تهران، بازهم بر اجرای برنامه خود اصرار نشان داده‌اند. اظهارات سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی وقوع گزینه دوم را محتمل تر نشان می‌دهد؛ چراکه آقای کنعانی‌ان مشورت‌های انجام‌گرفته میان سرپرست سفارت افغانستان در تهران و معاونت آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه در ۲۹ اردیبهشت‌ماه و توصیه به طالبان برای رعایت روال و عناصر قانونی خبر می‌دهد.

بلاتکلیفی حقوقی در کنسولگری افغانستان در مشهد

در حال حاضر وجهه حقوقی و قانونی فعالیت‌ها و عملکرد کنسولگری افغانستان در مشهد کاملاً در ابهام قرار دارد. مقامات طالبان کار سرکنسول مستقر را تمام‌شده دانسته و امضای وی را فاقد ارزش قانونی اعلام کرده‌اند و به مردم نیز هشدار داده‌اند که اسناد صادرشده از جانب کنسولگری تا زمان اعلام طالبان فاقد اعتبار است. بااین‌حال در بیانیه کنسولگری افغانستان تاکید شده که اسناد صادرشده از جانب این نمایندگی هم به لحاظ بین‌المللی و هم از جانب کشور میزبان (ایران) کاملاً معتبر و پذیرفته شده است. تهران در حوزه این بحث حقوقی تاکنون اظهارنظری نداشته‌و طبیعتاً این برپه‌چندگی‌های موجود افزوده است.

پیامد این موضوع بر آینده روابط ایران و طالبان

در شرایطی که سفارت افغانستان در تهران فارغ از هرگونه جنجال سیاسی به طالبان تحویل داده شد، موضوع تعیین سرکنسول مشهد می‌تواند بازناب‌های نامناسبی بر روابط دو طرف بر جای بگذارد. بی‌توجهی طالبان به اصرار تهران بر طی روال معمول و قانونی که کسب تأیید ایران برای تعیین سرکنسول جدید بخش اصلی آن محسوب می‌شود، می‌تواند مقامات وزارت خارجه را نسبت به حسن نیت طالبان دچار سوء ظن کند. این موضوع با توجه به رخداد‌های اخیر در مشهد و در حواشی ایجادشده توسط برخی عناصر وابسته به طالبان در کنسولگری افغانستان، پیش از پیش حساسیت‌برانگیزی می‌باشد. علاوه بر این سرکشی طالبان در برابر وزارت خارجه جمهوری اسلامی، مجالی در اختیار منتقدان طالبان قرار می‌دهد تا عملکرد این وزارتخانه درقبال تحولات افغانستان را بیش از پیش به نقد بکشند. با توجه به درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری در ایران این احتمال نیز وجود دارد که طالبان نگران تغییر رویکردها در تهران بوده و خواسته‌اند تا پیش از روی کار آمدن دولت جدید، کنترل کامل نمایندگی مشهد را در اختیار گرفته و موقعیت خود را تثبیت کنند؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن اینکه سرکنسول مستقر هنوز پرچم سه‌رنگ افغانستان را روی میز خود قرار می‌دهد و در بیانیه اخیر هم خود را نماینده جمهوری اسلامی افغانستان معرفی می‌کند.